

مطالعه تطبیقی مسیر تعالی در دو اثر عرفانی حکمی (رسالة الطیر و جانانان مرغ دریایی)

وحید مبارک*

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۲

سحر یوسفی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۲

چکیده

ادبیات تطبیقی می‌کوشد تا وجوه اشتراک و شباهت اقوام و ملل و زبان‌های مختلف را پدیدار سازد. از جمله فلسفه زندگی و عرفان عمومی و همسان و مختلف آن‌ها را که اغلب زبانی تمثیلی، رمزی و نمادین دارد نشان می‌دهد. کشف این شباهت‌ها کمکی است به انسان برای ساختن جامعه جهانی همراه با همسویی اندیشه‌ها و همگرایی بیش‌تر. داستان‌های تمثیلی پرندگان و تشبیه روح به پرنده از جمله موارد تشابه میان ملت‌هاست. ابن سینا (۳۵۹-۴۱۶) در «رسالة الطیر» خود و ریچارد باخ (۱۹۳۶) در اثر مشهور خود، «جانانان مرغ دریایی» با استفاده از زبانی رمزین به بیان مسیر کمال می‌پردازند. این دو اثر وصف سیر و سفری است که انسان کامل را توصیف می‌کند. در این میان، «رسالة الطیر»/ابن سینا نخستین اثر فلسفی در حوزه رسالة الطیرهاست که به نوبه خود در سایر آن‌ها به‌ویژه «منطق الطیر» عطار مؤثر افتاده است. در مقاله حاضر با تحلیل و توصیف داده‌ها به سنجش تطبیقی «رسالة الطیر»/ابن سینا و «جانانان مرغ دریایی» ریچارد باخ پرداخته می‌شود و ضمن پرداختن به شباهت‌ها و تفاوت‌ها، اختلافات مبتنی بر جهان بینی نویسندگان دو اثر بررسی شده است.

کلیدواژگان: رسالة الطیر، جانانان مرغ دریایی، ابن سینا، ریچارد باخ، رمز، تعالی.

Vahid-mobarak@yahoo.com

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (استادیار).

sahar.yosefi69@gmail.com

** دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی کرمانشاه.

نویسنده مسئول: وحید مبارک

مقدمه

در عرصه آثاری که بن‌مایه‌های عرفانی-حکمی دارند همواره متونی آفریده می‌شوند که بینامتنی می‌باشند. تشبیه روح به پرنده از آثار مشابه در داستان‌های شرقی-ایرانی و غربی-اروپایی است. *ابن سینا* نخستین کسی است که معراج روح را به زبانی رمزین بیان می‌کند. *ریچارد باخ* نیز نویسنده‌ای آمریکایی است که با بیانی رمزین اثری در سیر تعالی آفریده است.

ابن سینا در «رساله الطّیر» و *باخ* در «جانانان مرغ دریایی» هسته مضمون اصلی را سیر کمال به سوی عالم حقیقت قرار می‌دهند. این دو اثر شرح مسیر تعالی، در مرحله پس از آگاهی روح می‌باشد. چگونگی رسیدن به فرایند تکامل در قالب اثری حکمی-عرفانی به شیوه‌ای رمزین بیان می‌شود. در دو اثر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که می‌توان در رویکردی تطبیقی، ضمن یافتن شباهت‌ها، به تفاوت‌هایی گاه بنیادین برخاسته از بینش عرفانی نویسندگان آن‌ها نیز دست یافت. از آنجا که مقاله حاضر بررسی تطبیقی دو اثر می‌باشد به ادبیات تطبیقی اشاره‌ای مختصر خواهیم داشت.

تلاش ادبیات تطبیقی بر آن است که اشتراکات و شباهت‌های ملل مختلف را آشکار سازد. فلسفه زندگی یکی از این زمینه‌های مشترک است که در اغلب موارد به شیوه تمثیلی و رمزی بیان می‌شود. ادبیات تطبیقی با سبکی نوین محور پژوهش‌ها را به نقاط یگانگی اندیشه سوق می‌دهد که «مشخصه اصلی آن، اختلاف در زبان و ادبیات است و یا دو ادبیات باید روابط تاریخی داشته باشند. ادبیات تطبیقی جنبه‌های برخورد میان ادبیات ملی هر یک از ملت‌ها و ادبیات سایر ملل را با تبیین جنبه‌های تأثیر و تأثر مورد بررسی قرار می‌دهد» (اکبری، ۱۳۸۸: ۷۳).

در ادبیات تطبیقی به بررسی منشأ جریان‌های فکری و ادبی پرداخته می‌شود و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان را از آثار یکدیگر نشان می‌دهد. با بررسی این آثار می‌توان زمینه‌های هم‌اندیشی و همدلی آفرینندگان آن‌ها را یافت که فارغ از هرگونه تقلید یا اقتباس، با گرایش‌های فطری همسانی‌هایی به وجود می‌آورند. کمال‌طلبی هم در روابط انسان و جهان، یکی از این گرایش‌هاست.

پیشینه مطلب

تا کنون پیرامون اندیشه‌ها و آثار/ابن سینا مقالات متعددی نوشته شده است نظیر:

۱- «رمز و داستان‌های رمزی در اندیشه فلسفی ابن سینا» (۱۳۷۱)، حسین گدازگر، کیهان اندیشه شماره ۴۶، صفحات ۸۶ تا ۱۰۸ که به جنبه‌های رمزین در رساله‌های داستانی/ابن سینا پرداخته است.

۲- «عرفان ابن سینا و یا نظر ابن سینا درباره عرفان» (۱۳۸۳)، محسن جهانگیری، فلسفه، شماره ۹ صفحات ۷ تا ۴۸، که در آن ضمن تحلیل فلسفی از آثار/ابن سینا سعی شده است تا دیدگاه عرفانی وی نیز تبیین شود.

۳- «تحلیلی فشرده از رساله الطیر ابن سینا» (۱۳۸۵)، اسماعیل تاج‌بخش، بهار: ادب و زبان، شماره ۲۷، صفحات ۱-۱۴ که ضمن ترجمه این رساله از زبان عربی به فارسی به بررسی جنبه‌های نمادین این داستان پرداخته شده است.

اما در تا کنون در هیچ مقاله‌ای به بررسی کیفیت سیر تعالی در «رساله الطیر»/ابن سینا و مقایسه آن با آثار نویسندگان غربی- مسیحی پرداخته نشده است.

معرفی اجمالی دو اثر

رسالة الطیر ابن سینا

ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸) از نویسندگان و دانشمندان بزرگ جهان اسلام است. اغلب آثار خود را به زبان عربی تألیف نموده است که زبان علمی آن روزگار بود. وی با جهان‌بینی شرقی- اسلامی خود صاحب تألیفات متعددی، در حوزه‌های گوناگون از جمله «قانون» در پزشکی و «شفا» در فلسفه است. ابن سینا آفریننده سه رساله رمزی با نام‌های «حی بن یقظان، رساله الطیر و سلامان و ابسال» می‌باشد که در شمار آثار اشراقی و نمایانگر تمایلات عرفانی اوست.

«رسالة الطیر»/ابن سینا در اصل به زبان عربی است. این اثر با مقدمه‌ای در شرح دوستان مخلص و دعوت به رهایی از اندوه آغاز می‌شود و موضوع آن شرح حال مرغانی گرفتار در دام صیاد است. بدیع الزمان فروزانفر بر این باور است که تمثیل روح به مرغ، بعد از ابن سینا با قصیده عینیه و رساله الطیر وی به اشعار و ادب فارسی راه یافته

است (فروزانفر، ۱۳۴۸-۱۳۴۶: ۵۹۵-۵۹۳). *پورنامداریان* پیرامون داستان‌های رمزی بر این باور است که عنوان تمثیل نهادن بر آن‌ها اشتباه می‌باشد. این داستان‌ها را نباید در شمار لغز و یا تمثیل به حساب آورد. چون اغلب «واقعه‌هایی روحانی» در «سطح جهانی فوق احساس» سبب آفرینش آن‌ها در قالب داستانی شده است؛ به همین دلیل باید این گونه داستان‌ها را آثار رمزین به شمار آورد (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۲۲۱). وی در ادامه رساله‌های نامبرده/بن سینا را هم از جمله این داستان‌ها می‌داند.

جانانان مرغ دریایی ریچارد باخ

ریچارد دیوید باخ (۱۹۳۶م) نویسنده آمریکایی و خلبان هواپیماهای سبک نمایشی است. جهان‌بینی او را می‌توان به تعبیری غربی- مسیحی یاد کرد. آمیزه‌ای از غرب‌گرایی که به تبع عرفان برخاسته از آن نیز اومانیستی است؛ با هرگونه محدودیتی مخالف است: «جانانان گفت تنها قانون حقیقی قانونی است که ما را به آزادی برساند قانون دیگری وجود ندارد» (باخ، ۱۳۹۰: ۹۱). از طرف دیگر با نفوذ باورهای مسیحیت محبت و دوستی بر او غلبه دارد. در میان آثار منتشرشده از *باخ* «جانانان مرغ دریایی، پندار، یگانه، گریز از سرزمین امن و فراسوی ذهنم» به زبان فارسی ترجمه شده است. در اغلب آثار *باخ* «نویسنده به وسیله احساس پرواز، در متن‌های خود با خواننده ارتباط خوبی برقرار می‌کند» (جلیلود، ۱۳۸۷: ۶۵). پرواز جزء جدایی‌ناپذیر اندیشه *باخ* است که با گرایش فطری هر آدمی به کمال‌خواهی پیوند دارد. در مورد *باخ* نمی‌تواند بی‌ارتباط با شغل او نیز باشد. داستان «جانانان مرغ دریایی» هم ماجرای پرنده‌ای است که به جرم کمال‌خواهی و هدفمندی از قبیله‌اش تبعید می‌شود.

شباهت‌ها

قهرمان اصلی در دو اثر پرنده‌ای است که نزد *بن سینا* با ضمیر شخصی «من» بدون ذکر نام می‌آید و راوی داستان می‌شود. انتخاب این نوع از زاویه دید فضای صمیمی‌تری به اثر او بخشیده است. *باخ* پرنده داستان خود را «جانانان مرغ دریایی» می‌نامد. راوی در داستان او، سوم شخص است. با این حال پرواز مسیر مشترک هر دو برای نیل به کمال

است و پرنده رمز سالک یا راهرو. «پرنده یکی از نمادهایی است که به واقع مناسب‌ترین نماد برای تعالی است و بیانگر ویژگی خاص مکاشفه‌ای می‌باشد که ترجمان یک واسطه است» (یونگ، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

در هر دو اثر برای بیان واقعیت، از شیوه فابل (Fable) استفاده شده است. فابل در حقیقت داستانی است که معمول‌ترین نوع آن «فابل حیوانات Beast Fable» است. در این نوع حکایات جانوران نماینده و ممثل آدمیان‌اند» (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

ابن سینا در «رسالة الطیر» خود و *باخ* نیز در «جانانان مرغ دریایی» از تمثیل و سمبل استفاده کرده‌اند. اما از آنجا که غلبه با سمبل است؛ بهتر آن است این آثار را داستان‌های رمزین نامید. ماهیت این آثار، باور به دنیایی حقیقی، معنوی و در عین حال آرمانی است که زبان رمزین در آن‌ها پلی برای پیوند جهان طبیعت و جهان ماوراء الطبیعه به شمار می‌آید. پذیرش این جهان‌بینی که «نفس یا روح اصلی دارد و در زندان تن و دخمه جهان اسیر است، آگاهی نفس به این امر، اولین مرتبه و مرحله خود آگاهی است» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۲۳۶). از این منظر، هر دو اثر بررسی شده، مبتنی بر جهان‌بینی اسارت روح در تن است. بینش‌های متفاوت دینی و فاصله مکانی، زمانی و اجتماعی نویسندگان دو اثر، سبب شده تا آثارشان ضمن داشتن شباهت‌ها، به تفاوت‌هایی گاه عمیق در آن‌ها پی برد.

در مورد اختلاف رمز و تمثیل سرانجام می‌توان به این نتیجه رسید که تمثیل برای نمایش چیزی است که بیان به وسیله چیز دیگر قابل بیان باشد؛ این در حالی است که رمز «نمایش بیان حقیقتی پنهان و غیر قابل بیان است» (نامداریان، ۱۳۶۷: ۵۰۶). رمز تفسیرهای مختلفی می‌پذیرد در حالی که تمثیل نمی‌تواند تنوع تفسیری گسترده داشته باشد. رساله *ابن سینا* و داستان *باخ* هم از همین مقوله‌اند و عنوان تمثیل نهادن بر آن‌ها تنها دامنه تأویلشان را محدود می‌سازد.

از آنجا که رمز ریشه در ناخود آگاه بشر دارد «تخیل با نفوذ در اعماق روح برای بیان آن حتی می‌تواند در ضمیر ناخودآگاه جمعی، مخزن‌های آرکی تایپی (Archetypes) نفوذ کند» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۲۳۷). یونگ علاوه بر ضمیر ناخودآگاه شخصی در افراد از بخش دیگری یاد می‌کند که آن را «ضمیر ناخودآگاه جمعی» می‌نامد. درباره علت

انتخاب این اصطلاح می‌گوید که این قسمت، به ناخودآگاه شخصی تعلق ندارد «بلکه همگانی است و بر خلاف روان شخصی کم و بیش در همه جا و همه کس یکسان است» (یونگ، ۱۳۹۰: ۱۲). کمال و تعالی هم یکی از میراث‌های جمعی در طول تاریخ بشریت است که از زمینه‌های روانی مشترک و یکسان در تمامی افراد به شمار می‌آید و ماهیتی فوق فردی را داراست؛ فارغ از بحث تأثیرپذیری و یا تأثیرگذاری به بیان شباهت‌ها در دو اثر می‌پردازیم.

الف. ویژگی‌های سالک

پرنده در دو اثر، رمزی از روح کمال‌خواه است که می‌تواند در ویژگی‌های سالک تبیین شود. از این روی دسته‌ای شباهت‌های دو اثر را می‌توان در ویژگی سالک یافت که عبارت‌اند از:

پس آگاهی: سالک در هر دو اثر در مرحله پس از آگاهی قرار دارد. جانانان دریافته بود که زیستن هدفی فراتر از تلاش برای یافتن غذا و جنگیدن بر سر آن با دیگر مرغان دریایی است: «جانانان لیوینگ استون مرغ دریایی بیش از هر کار دیگری عاشق پرواز بود. او فهمیده بود که این طرز فکر باعث محبوبیت نزد مرغان دیگر نیست» (باخ، ۱۳۹۰: ۱۶). پرنده در دام افتاده در داستان *ابن سینا* هم با تأمل در پیرامون خود به اسارتش را به یاد می‌آورد: «پس روزی از میان بندها بیرون نگرستم. جماعتی را دیدم از یاران خود سرها و بال‌ها از دام بیرون کرده و از این قفس‌های تنگ بیرون آمده و آهنگ پریدن می‌کردند» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱). هر دو ورای زندگی‌ای بی‌هدف، خواهان زیستنی هدفمنداند. به همین خاطر روح کمال‌خواه آن‌ها بی‌قرار است.

سفر برای عروج: راهروان هنگامی که برای هدفی متعالی قدم برمی‌دارند برای رفع موانع به تکاپو می‌افتند. جانانان برای تکامل فرایند فردیت خود، سفری را آغاز می‌کند که در آن «فکرش پیروزی بود. سرعت حرکت گلوله در داخل لوله تنگ. یک مرغ دریایی با سرعت پرواز سیصد و چهل و چهار کیلومتر در ساعت. این شکست مرزها بود، مهم‌ترین لحظه در تاریخ گله. و در آن لحظه عصری جدید برای جانانان مرغ دریایی گشوده شد» (باخ، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۲). این فرایند را در پرنده رساله *ابن سینا* هم می‌بینیم:

«مرا معونت کردند تا گردن و بال خود را از دام بیرون کردم و در قفس را باز کردند» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱).

پویایی و تحرک: هر دو میانه‌ای با تسلیم و رکود ندارند. تلاش برای غلبه بر محدودیت‌ها روحی خستگی‌ناپذیر به جانانان بخشیده است و استایی و انجام در او راهی ندارد: «چیزی نگذشت که دوباره جانانان مرغ دریایی گرسنه، شاد و در حال یادگیری تنها به دوردست‌های دریا پر گشود. این بار موضوع یادگیری‌اش سرعت بود و ظرف یک هفته تمرین، بیش از هر مرغ دریایی زنده دیگری درباره سرعت چیز می‌دانست» (باخ، ۱۳۹۰: ۲۰). مرغان داستان/ابن سینا هم توقف و درنگ را عبث می‌شمارند و در این امر همیار و هم‌اندیشه‌اند: «چندان مقام کردیم که ماندگی بیفکنیم، پس آواز برآمد که قصد رفتن باید کرد که هیچ امن و رای احتیاط نیست و هیچ حصن استوارتر از بدگمانی نیست و ماندن ما بدین جای عمر ضایع کردن است» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱).

ب. ابزار کمال

در مسیر سفر قهرمانان داستان، امکاناتی وجود دارد که از آن برای نیل به مقصود استفاده می‌شود؛ این ابزار عبارت‌اند از پرواز کردن و تجربه و دانش. برای اهداف می‌توان دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه کرد. در یکی از این دسته‌بندی‌ها، اهداف بر حسب زمان به دو دسته کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم شوند. اهداف کوتاه‌مدت می‌توانند در حکم ابزاری برای رسیدن به اهداف بلندمدت باشند. در این دو اثر ابتدا هدف، پرواز است رفته رفته این هدف، در حکم ابزاری قرار می‌گیرد که لازمه رسیدن به هدفی والاتر است.

پرواز: پرواز در هر دو اثر وسیله‌ای برای کسب تعالی است. در جانانان، از پرواز استفاده ابزاری می‌شود تا مقصود حقیقی حاصل شود: «جانانان شب‌ها در ساحل می‌گفت در واقع هر یک از ما تجسمی از مرغ دریایی بزرگ هستیم، تجسم نامحدود آزادی. و پرواز دقیق گامی است به سوی نشان دادن جوهر حقیقی‌مان» (باخ، ۱۳۹۰: ۷۹). مرغان/ابن سینا هم برای دیدار با ملک مرغان عزم پرواز کرده و سفر خویشتن را آغاز می‌کنند: «پس به راه راست افتیم و آنکه میان دو را بگرفتیم وادی بود با آب و گیاه

خوش از آن می‌پریدیم تا از آن دامگاه‌ها درگذشتیم و به صغیر هیچ صیاد باز ننگریستیم و به سر کوهی رسیدیم» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱).

تجربه و دانش: در کنار پرواز، تجربه و دانش هم کارکردی ابزاری دارند. جانانان از تجارب خود در شکست پلی برای پیروزی‌اش می‌سازد: «سرانجام خیس و آبچکان به این فکر افتاد که رمز کار در این است که در سرعت زیاد، بال‌ها را بی‌حرکت نگه دارد. تا سرعت بیست و چهار کیلومتر در ساعت بال بزند و بعد بال‌ها را بی‌حرکت نگه دارد» (باخ، ۱۳۹۰: ۲۲). پرنده داستان / ابن سینا هم از اندوخته‌های دیگران برای رفع گرفتاری‌اش بهره می‌جوید: «پیش من آمدند و پرسیدم ایشان را از حالت ایشان که به چه وجه خلاص یافتند با آن بقایای بندها چون آرمیدند» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱). در مسیر کمال استفاده از تجربه و دانش در حکم وسیله‌ای است که با کمک آن می‌توان محدودیت‌ها را برطرف ساخت.

ج. مسیر تعالی

در مسیری که قهرمانان داستان طی می‌کنند مراحل و شرایطی همسان وجود دارد. پیش از آغاز سفر قهرمانان به این مسیر دعوت می‌شوند. همیاری یکدیگر سبب چیرگی بر مشکلات می‌شود و مسیر حرکت را از فردی به جمعی می‌کشاند.

فراخوانی و دعوت: جانانان با شکستن مرز سرعت، خواهان این پیروزی برای همه می‌شود: «با خود فکر کرد اگر آن‌ها شرح این پرواز را، این شکستن مرزها را بشنوند، از شادی سر از پا نخواهند شناخت. اکنون زندگی چه معنادارتر است! اکنون زندگی مفهومی به جز تقلای یکنواخت در پشت و جلوی قایق‌ها خواهد داشت» (باخ، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴). رساله / ابن سینا با فراخواندن و دعوت از دوستان آغاز می‌شود و با لحنی صمیمانه برادران را به یاری می‌طلبد: «ای برادران حقیقت، خویشتن فراهم آورید و باطن‌های خویش آشکار کنید چنانکه خارپشت بطن‌های خود را به ظهور آرند و ظاهرهای خود پنهان کنند که به خدای تعالی که باطن شما آشکار است و ظاهر شما پوشیده» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۰).

همراهی و سبب کمال یکدیگر شدن: مودت و دوستی اصلی است که نیل به تعالی بر آن استوار است. دوستان در راه کمال می‌توانند مسیر را برای یکدیگر هموار کنند. چنانکه در جانانان می‌بینیم او همواره انگیزه بهبود وضعیت را برای همگان داراست: «حالا برای زندگی کردن دلیل داریم: یاد گرفتن! کشف کردن! آزاد بودن! فقط یک فرصت به من بدهید تا به شما نشان بدهم چه چیز یافته‌ام» (باخ، ۱۳۹۰: ۳۸). / *بن‌سینا* هم خود برای بیان این اصل، وارد میدان سخن می‌شود و با لحنی صمیمانه دعوت خود را برای این همیاری بیان می‌کند: «ای برادران حقیقت، خویشتن فراهم آورید و باید که برای برادران، حجاب از روی دل بردارید تا بی‌پرده اسرار درونی یکدیگر بدانید و سبب کمال همدیگر گردید» (ابن‌سینا، ۱۳۹۱: ۱۰). از این روی هر دو نویسنده بر این باورند که کسب کمال در فرد به دور از اجتماع محقق نمی‌شود.

غلبه مرحله‌ای بر موانع و محدودیت‌ها: از دیگر الزام‌های تعالی، هموار کردن دشواری‌های راه است. این امر با غلبه کردن بر موانع محدودساز محقق می‌شود در جانانان می‌بینیم که از موانع با عنوان مکتب یاد می‌شوند که غلبه بر هر یک از آن‌ها به معنای پایان آن مکتب است و در دور تسلسل مکتب دیگری آغاز می‌شود: «تو می‌توانی، چون تو یادگرفته‌ای. یک مکتب را تمام کردی و اکنون زمانش رسیده که مکتب دیگری را شروع کنی» (باخ، ۴۳: ۱۳۹۰). در داستان *ابن‌سینا* هم کوه رمزی از موانع و مشکلات سلوک روح است که مرغان آن‌ها را یکی پس از دیگری پشت سر نهاده می‌نهند: «پس رنج بسیار برداشتیم تا بر شش کوه گذشتیم و به کوه هفتم رسیدیم» (ابن‌سینا، ۱۳۹۱: ۱۱).

تغییر حرکت فردی به حرکت جمعی: حرکت به سوی مسیر تعالی، در آغاز خود، حرکتی فردی است. جانانان پس از آنکه از قبیله‌اش تبعید می‌شود، به تلاش ادامه می‌دهد و مسیر خود را به تنهایی آغاز می‌کند: «در تنهایی‌اش پرواز کرد، با بال‌های جمع شده به منظور شیرجه‌زدن از ارتفاع دو هزار و چهارصد متری رفت که نحوه چرخیدن را کشف کند» (باخ، ۱۳۹۰: ۳۳). اما رفته رفته این حرکت، جمعی می‌شود و تلاشی جمعی می‌طلبد. و مرغانی به جانانان می‌پیوندند که دغدغه‌ای همسان آن‌ها را پیرامون وی جمع کرده است: «ما عضو گله تو هستیم جانانان. ما برادران تو هستیم.

کلماتشان مقتدر و آرام بود. آمده‌ایم تو را بالاتر ببریم» (همان: ۴۳). این روند را در «رسالة الطیر» نیز می‌بینیم. پرنده در آغاز از هیبوط خویش یاد می‌کند: «چون آن بدیدم ابتدا کار خویش و سلامتی خود در هوا یادم آمد و آنچه با او ساخته بودم و با او الفت گرفته بر من منغص شد» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱). پس از اراده فردی، حرکت رو به جمعی بودن می‌نهد: «مرا در حیلستن به راحت دلیل باشید و با من در رنج شریک باشید که کار من به جان آمد» (همان: ۱۱).

د. راهنما

یکی از اصول بنیادین در طریقت سلوک، پیر یا راهنما است. چنانکه می‌بینیم در هر دو اثر حضور راهنما مؤثرترین عنصر برای به مقصود رسیدن راهرو است. اهمیت کارکرد راهنما در رفع محدودیت‌ها و موانع است. این حضور به گونه‌ای که می‌توان مراتبی را برای آن مشاهده کرد:

راهنمای تام: بالاترین مرتبه شخص راهنما را می‌توان راهنمای تام نامید. راهنمای تام در داستان باخ، پرنده‌ای توانمند و شایان به نام «سالیوان» است: «سالیوان بارها و بارها گفت دوباره امتحان می‌کنیم و بالأخره گفت خوب است! و آن وقت شروع به تمرین حلقه زدن‌های بیرونی کردند» (باخ، ۱۳۹۰: ۵۲). راهنمای تام در داستان ابن سینا هم «ملک» است: «پس به حجره رسیدیم. چون قدم در حجره نهادیم از دور نور جمال ملک پدید آمد. در آن نور دیده‌ها متحیر شده و عقل‌ها رمیده شد» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲).

راهنمای ارشد: در مرتبه دوم از مراتب راهنما، راهنمای ارشد قرار دارد. این کارکرد را در «جاناتان» مرغی پیر و قدرتمند به نام «چیانگ» داراست: «با حالتی کمی عصبی گفت چیانگ... مرغ دریایی پیر با مهربانی نگاهش کرد و گفت بله پسرم؟ به جای آنکه پیری او را ضعیف کرده باشد، به او قدرت داده بود» (باخ، ۵۶: ۱۳۹۰-۵۵). در اثر ابن سینا این عنصر «رسول» نامیده می‌شود که در خدمت ملک حضور دارد: «حاجیان بانگ برداشتند که باز باید گشت. از پیش ملک بازگشتیم و اکنون در راهیم با رسول همی آییم» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲). وجود راهنما در هر دو داستان به سهولت راه، کمکی بایسته کرده و حذف آن از داستان غیرممکن است. این حضور موجب رفع موانع می‌شود.

تفاوت‌ها

حاصل اندیشه، قابلیت آن را دارا است که به صورت‌هایی مختلف از جمله آثار ادبی عرضه شود. اثر ادبی هم متأثر از عواملی نظیر زمان، مکان، اوضاع اجتماعی و اقتصادی، دین و ... است که هر یک به نوبه خود در نوع قریحه و اندیشه آفریننده آن مؤثر است (شجیعی، ۱۳۶۲: ۱۴). این فرایند بر سبک نوشتاری و بینش هر سراینده و نویسنده صاحب اندیشه‌ای حاکم است. *ابن سینا* با تفکری شرقی-اسلامی در سده چهارم هجری و *باخ* با اندیشه‌های غربی-مسیحی، در سده بیستم میلادی، هر یک اثر خود را با مضمونی مشترک آفریده‌اند که در عین داشتن شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز دارند. گروهی از تفاوت‌ها هستند که حاصل زمان و مکان هستند و نوع بینش مذهبی و اعتقادی به صورت مستقیم در آن‌ها دخالت ندارند. این گروه از تفاوت‌ها در فضای اثر خود بروز یافته‌اند.

الف. فضای اثر

در هر دو داستان، عوامل محیطی، شرایط زمانی و تفاوت مکانی تفاوت‌هایی جزئی را در ساخت و فضای آثار به وجود آورده‌اند تفاوت‌هایی نظیر:

زاویه دید: زاویه دید در داستان «جانانان» سوم شخص مفرد است و در «رسالة الطیر» اول شخص مفرد. حضور راوی سوم شخص در جای جای اثر چه از زبان جانانان، چه از زبان دیگر شخصیت‌ها برای القای باورهای نویسنده حضوری مؤثر دارد: «چیانگ بارها به او گفته بود از فکر داشتن بیرون بیا! برای پرواز کردن باور لازم نداشتی، ادراک شیوه پرواز لازم داشتی» (باخ، ۱۳۹۰: ۶۱). در حالی که راوی داستان *ابن سینا*، پرنده در قالب ضمیر من است. به عبارتی این من، خود *ابن سینا* می‌باشد و لحن صمیمی‌تری را به اثر بخشیده است: «من در میان گله مرغان می‌آمدم و چون ما را بدیدند، صفیر خوش می‌زدند چنانکه ما را به گمان افکندند» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۰).

فضاسازی: حجم داستان «جانانان» که به نسبت بیش‌تر از رساله کوتاه *ابن سینا* است با توصیف مکان و زمان آغاز می‌شود. فضای آشنایی را با استفاده از عناصر طبیعت نظیر آفتاب، ساحل، دریا برای ذهن مخاطب، ترسیم می‌کند. به گونه‌ای می‌توان از آن، با

عنوان براهت استهلال یاد کرد: «صبح شده بود و آفتابی تازه برآمده، بر سطح شیارهای موج گونه دریای آرام گرد طلا می‌پاشید. نزدیک دو کیلومتر دورتر از ساحل، یک قایق ماهیگیری طعمه‌ها را در آب انداخت و عبارت بچه‌ها صبحانه برقی زد» (باخ، ۱۳۹۰: ۱۴). اما/بن سینا با مقدمه‌ای نه چندان کوتاه- نسبت به حجم رساله - پیش از آنکه وارد داستان شود با دغدغه‌ای که از درک مخاطبان و شرایط فکری و روحی آنان دارد، به هدفش از نوشتن رساله می‌پردازد: «بسم الله الرحمن الرحيم هیچ کس هست؟ از برادران چندان که به سمع (مرا) عاریت دهد از طرفی که از اندوه خویش با او سخن بگویم، مگر بعضی از اندوه‌های من به شرکت برادری وی کم‌تر شود» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۰).

رمزین بودن اثر: نویسنده «جانانان مرغ دریایی» در هیچ جای اثر خود اشاره‌ای به رمزین بودن آن ندارد در حالی که ابن سینا که دغدغه درک مخاطب و قضاوت او را دارد به این موضوع از زبان دوستان اشاره می‌کند: «بسا دوستان که چون این قصه من بشنود گوید پندارم تو را، پری رنجه می‌دارد، یا دیو در تصرف کرده است و به خدای تعالی که تو نپریدی بلکه عقل تو پرید و تو را صید نکردند بلکه خرد تو را صید کردند. آدمی هرگز کی پرید؟ مرغ هرگز کی سخن گفت؟» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲). نویسنده تا پایان رساله این دغدغه را با خود همراه دارد.

شخصیت‌ها: باخ در فضای اثر خود بسیار بیش‌تر از ابن سینا به جزئیات توجه دارد؛ نمونه‌ای از این توجه در این پردازش را می‌توان در نامگذاری اشخاص در دو داستان ملاحظه کرد. در داستان باخ، شخصیت‌ها اغلب دارای عناوینی هستند نظیر جانانان، سالیوان، چیانگ و ... در حالی که شخصیت‌ها در رساله کوتاه ابن سینا هیچ نامی ندارند. **کمیت پرندگان:** در داستان باخ، اغلب کمیت مشخص شده است. اگرچه به صورت مبهم، نظیر نمونه زیر که «هزاران» بیانگر کثرت است: «چیزی نگذشت که هزاران مرغ دریایی از راه رسیدند تا برای تکه‌های غذا بجنگند و بگریزند» (باخ، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴). در باقی موارد به طور معمول تعداد دقیق بیان می‌شود: «در پایان ماه سوم، جانانان شش شاگرد داشت که همگی تبعید شده بودند، اما هم‌چنان نسبت به ایده تازه، یعنی پرواز به خاطر لذت پرواز، کنجکاوی نشان می‌دادند» (همان، ۱۳۹۰: ۷۹). در داستان ابن سینا

کمیت در هیچ کجا لحاظ نشده است. در دیدگاه/ابن سینا شاید بتوان گفت کیفیت بیان، مقصودی مهم‌تر است. از این روی به جزئیات در وصف چندان توجه نمی‌کند.

استقبال: هنگامی که مرغان مسیر دشوار را پشت سر می‌گذارند با استقبال و پذیرش روبه‌رو می‌شوند. این پذیرش و استقبال از جانانان و همراهان او بر کمیت استقبال‌کنندگان، ضمن توصیف فضای بیرونی بر احساس درونی جانانان تکیه دارد: «دوازده مرغ دریایی از طرف خط ساحل به طرفش پرواز کردند. هیچ‌کدام کلامی به زبان نیاوردند. فقط او احساس کرد به استقبالش آمدند و آنجا خانه اوست. روز مهمی را گذرانده بود روزی که سحرگاهش را به یاد نمی‌آورد» (باخ، ۱۳۹۰: ۵۰-۴۹). در حالی که در «رسالة الطیر» این پذیرش با تکیه بر کیفیت مکان استقبال توصیف می‌شود و توصیفات بیش‌تر بیرونی هستند تا درونی: «رفتیم تا به کوه هشتم که کوه از بلندی سرش به آسمان رسیده بود و چون به نزدیک وی رسیدیم الحان مرغانی شنیدیم که از خوشی آن بال‌های ما سست شد و می‌افتادیم و نعمت‌های الوان می‌دیدیم و الحان‌های گوناگون که دیده‌ها از آن متحیر شد و صورت‌ها دیدیم که چشم از او برنخواستیم داشتن. فرود آمدیم. با ما لطف‌ها کردند و میزبانی کردند به نعمت‌ها که زبان هیچ مخلوق شرح و وصف آن نتواند کرد» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱).

مسیر سفر: پرواز در داستان باخ، دریا و آسمان است. از این روی می‌توان سفر مرغان آن را بحری و آفاقی خواند: «جانانان لیونینگ استون مرغ دریایی همراه آن مرغ دریایی درخشان همچون ستارگان، پرواز درآمد تا در آسمان کامل و تاریک ناپدید گردد» (باخ، ۱۳۹۰: ۴۴). اما در بینش باخ مکان و زمان در این اثر به علت محدودیتی که دارند «عبث» خوانده می‌شود: «عجیب است مرغانی که کمال را برای سفر کردن می‌خواهند، هیچ کجا نمی‌توانند بروند. اما کسانی که برای کمال، جدا از سفر کردن ارزش و اعتبار قائل‌اند، در یک چشم بهم زدن همه جا می‌روند. یادت باشد جانانان، بهشت یک مکان یا زمان نیست، زیرا زمان و مکان عبث‌اند...» (همان، ۱۳۹۰: ۵۹-۵۸). در «رسالة الطیر» مسیر سلوک به رغم بی‌توجهی به زمان، مکان‌مند است. پرواز بر فراز کوه‌هایی که یکی پس از دیگری پشت سر نهاده می‌شوند مسیر سفر را بری و آفاقی می‌سازد. *پورنامد/ریان* بر این باور است که کوه نخست با فلک قمر تطبیق می‌کند و

هشت کوه دیگر، سمبل هشت فلک دیگر است (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۲۹۷). و مجموعاً «نه فلک» رمزی از آسمان است.

تبعید: جاناناتان پرنده‌ای است که می‌خواهد فراتر از یک مرغ دریایی معمولی زندگی کند. او به جرم همین هدفمندی و کمال‌خواهی‌اش از قبیله خود تبعید می‌شود: «ریش سفید گله گفت جاناناتان لیوینگ استون مرغ دریایی، به علامت شرمندگی در مقابل مرغان دریایی هم‌قطار، وسط بیا» (باخ، ۱۳۹۰: ۳۶). وسط آمدن به علامت شرم، به معنای تبعید از قبیله بود: «یک روز خواهی فهمید که بی‌مسئولیتی ثمری ندارد. زندگی ناشناخته و غیرقابل شناخت است. ما از زندگی چیزی نمی‌دانیم جز اینکه آمده‌ایم تا بخوریم و تا زمانی که برای‌مان مقدور است زنده بمانیم» (همان: ۳۸-۳۷). با این حال جاناناتان بی‌مسئولیت نیست. جرم او نگاهی هدفمند به زندگی و تلاش برای تعالی است به همین خاطر تبعید می‌شود. اما در رساله *ابن سینا سخنی از تبعید نیست*.

بازگشت به جای اولیه: در داستان *باخ*، جاناناتان مرغ دریایی به قبیله‌ای که از آن تبعید شده بود بازمی‌گردد. سیری تسلسلی که بر داستان حاکم است منجر می‌شود که نمی‌توان پایانی برای آن یافت. زیرا در تفکر *باخ* هر چیزی که پایان بپذیرد محدود است و او خواهان نامحدود. داستان *باخ* با خطاب فیلچر شاگرد جاناناتان که خود اینک در حکم راهنما قرار دارد اینگونه به پایان می‌رسد: «فکر کرد: بی‌هیچ محدودیتی جاناناتان؟ پس بنابراین اگر بخواهم سرزده در ساحل تو ظاهر شوم و یکی دو چیز درباره پرواز به تو یاد بدهم، زمان حائل نخواهد بود... و لبخند زد. دوران یادگیری آغاز شده بود» (باخ، ۱۳۹۰: ۱۰۵). اما *ابن سینا* پیش از آنکه به پردازش جزئیات در رساله خود توجه داشته باشد دغدغه درک مخاطب خود را دارد؛ چنانکه پس از بازگشت مرغان داستان را به خواست «دوستان» با صفات «ملک» به پایان می‌رساند و پس از آن بر استواری اندیشه خود تأکید می‌کند و با لحنی انذارگونه مخالفان باورش را «نادان» می‌خواند: «بدترین سخن‌ها آن است که ضایع شود و بی‌اثر ماند و استعانت من به خدای است و هر که جز این که گفتم اعتماد کند نادان است «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مَنَقَلٍ يَنْقَلِبُونَ»^۱» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲). در نگاه نخست به نظر می‌رسد که *ابن سینا* کلامش را به آیه‌ای از

^۱ سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۲۷

قرآن در معنای «آنان که ظلم و ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی باز می‌گردند» مزین ساخته و آن را حسن ختام قرار داده است. اما با تأمل بیش‌تر می‌توان دریافت وی قصدی فراتر از زینت کلام داشته است. در آیات پیشین آن سخن از گمراهی شاعران است. این افراد بنا بر صفاتی که در قرآن آمده، کسانی هستند که سرگردان‌اند و به گفته‌های خود عمل نمی‌کنند. در ادامه گروهی از این دسته تفکیک می‌شوند و آن‌ها افرادی با ایمان و کردارهای نیک هستند که مورد ستم واقع شده‌اند. / *ابن سینا* با تمسک بر این آیه خود را از گروه اخیر می‌داند و بر تکذیب‌کنندگان خود، که در سطور پیشین نسبت نادان داده بود؛ صفت ظالم نیز می‌دهد. از این منظر، جهل و ظلم نزد *ابن سینا* همسوی‌اند. وی با تردیدکنندگان و مخالفان این تجربه ناب عرفانی را با لحنی اندازگونه به تأمل و اندیشه فرامی‌خواند و بر رمزین بودن تجربه خود تأکید می‌کند.

ب. ویژگی‌های سالک

گروهی دیگر از تفاوت‌ها هستند که به طور مستقیم متأثر از نوع بینش مذهبی و اعتقادی نویسندگان است. این دسته از تفاوت‌ها در ویژگی‌های سالک و راهنما خود را نمایان می‌سازند. ویژگی‌هایی که مرغان در دو اثر دارند ضمن داشتن شباهت‌ها، تفاوت‌هایی اساسی نیز دارند نظیر:

خودمحوری: محور تعالی در نزد *باخ* اتکا به خود فرد است. در اینجا خود، محوری‌ترین عنصر وجودی هر فرد در مسیر کمال است. جانانان همواره در طول تمام داستان به نیروی درونی خود تکیه می‌کند و برای رفع موانعش تنها به خود اعتماد دارد: «عمداً ماهی کولی‌ای که به سختی به دست آورده بود، جلوی مرغ دریایی پیری که تعقیبش می‌کرد انداخت و با خود فکر کرد: این کارها عبث است. من می‌توانم این زمان را صرف یادگیری پرواز کنم. خیلی چیزها برای یادگرفتن هست» (باخ، ۱۳۹۰: ۲۰). اما در «رسالة الطیر» همواره عنصر یاری‌گر وجود دارد. در حالی که تفکرات *باخ* به عرفان‌های اومانیستی نزدیک می‌شود بینش فرشته‌مدار *ابن سینا*، تفکرش را به عرفان‌های شرقی و الهی نزدیک می‌سازد. تکیه بر نیروهای الهی، اصلی است که در هیچ قسمت از داستان

ابن سینا فروگذار نشده است. ابن سینا اندیشمندی مسلمان است. هسته اصلی تفکر عرفان اسلامی، اعتقاد به وحدت وجود است. وحدت وجود در اصطلاح «یعنی انحصار وجود در خداوند و نفی وجود غیر از او» (کاکایی، ۱۳۷۸: ۵۸). وصال به محبوب حقیقی هم از طریق شناخت نفس کیفیت‌های متفاوتی دارد: «قرب برای عارف به معنای یگانگی است. این است که به قول رودلف/وتو یکی از ویژگی‌های مشترک همه انواع عرفان، وحدت نفس شخص عارف با حق و واقعیت متعالی (خدا) است. ادراکی که دارای شدت و ضعف می‌باشد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۹). راهرو باید در طی منازل وجود ظلّی خود را به ذی ظل برساند تا به مفهوم فناء فی الله برسد. اما در نگاه باخ با محوریت انسان‌خدایی، عرفان او را به عرفانی انسان‌مداری نزدیک است تا عرفانی الهی. نحوه بازگشت جانانان و سرباز زدن وی در اطاعت از راهنمای تامل نمونه دیگر از خودمحوری محض است. او با وجود مخالفت سالیوان، بازمی‌گردد تا آموخته‌هایش را به قبیله‌ای که از آن تبعید شده بود یاد دهد (باخ، ۱۳۹۰: ۶۹). از منظر ابن سینا، روح برای تعالی نیازمند پرورش، در هر مرحله‌ای است: «به دلیل اینکه بازگشت نفس به شرق یا وطن خود نیازمند تربیت کلی است. نفس جزئی و مفهوم نفس به طور کلی با فرشته‌شناسی همراه می‌شود» (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۱). وظایف فرشتگان همیشگی است و تعطیلی ندارد. باور ابن سینا هم بر این اصل استوار است. وی «به وظیفه فرشتگان همچون راهنمایان بشری و نیروهای گرداننده جهان، فراوان تکیه کرده است. فرشته‌شناسی از اصول فلسفه مشرقی ابن سینا است» (گدازگر، ۱۳۷۱: ۹۵). این تفکر در رساله «حیّ بن یقظان» به اوج خود می‌رسد. در «رسالة الطیر» نیز «رسول» رمزی از فرشته می‌باشد. همراهی او فرمان مستقیم «ملک» است.

ترس و بیم: یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک قهرمان هر دو داستان، داشتن روحیه‌ای امیدوار است. امید در سراسر داستان بر ناامیدی غلبه دارد با این تفاوت که ترس یا عدم ترس کنار آن، عاملی است که موجب تفاوت می‌شود. جانانان با ترس میانه‌ای ندارد و او توانسته ترس را مهار کند: «او زنده بود و از شادی لرزش خفیفی احساس می‌کرد. از اینکه ترس را به اختیار درآورده بود، به خود می‌بالید» (باخ، ۱۳۹۰: ۳۰). در حالی که در «رسالة الطیر» بیم و امید با هم همراه است. سرچشمه این همراهی

را باید در باورهای اسلامی / ابن سینا جست. بیم از راهی ناشناخته متناسب با روحیه‌ای دینی است: «ما را در پیش راه‌های دراز است و منزل‌های سهمناک و مخوف که از آن ایمن نتوان بود که به مثل این حالت دیگر بار (فرصت کار) از دست ما بشود و ما دگر باره بدان مبتلا شویم» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱). و این بیم با اعتماد و توکل بر ذات احدیت به دلآرامی تبدیل می‌شود: «پس گفت در پس این کوه شهری است که حضرت ملک آنجاست و هر مظلومی که به حضرت او رسید و بر وی توکل کرد، آن ظلم و رنج از وی بردارد» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲).

اختیار در بازگشت: جانانان پس از آنکه توانست به مراتبی از کمال برسد، معنای مهربانی و محبت را به خوبی درک کند در کمال آگاهی و آزادانه تصمیم به بازگشت می‌گیرد: «جانانان هرچه بیش‌تر درس‌های مهربانی را بیش‌تر تمرین می‌کرد و هرچه به سرشت محبت بیش‌تر پی می‌برد، بیش‌تر دلش می‌خواست به زمین برگردد. زیرا علی‌رغم گذشته تنهایی که در آنجا داشت، جانانان مرغ دریایی یک مربی مادرزاد بود و تنها راهی که برای نشان دادن محبتش می‌شناخت، این بود که حقیقتی را که خود شناخته بود به کسانی بدهد که خواهان فرصتی برای تجربه حقیقت بودند» (باخ، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷). این میزان از محبت می‌تواند ریشه در باورهای مذهبی‌ای داشته باشد که باخ با آن بزرگ شده بود. مهر و دوستی بی‌حساب، نسبت به همه از جمله تعالیمی است که حضرت عیسی بر آن بسیار تکیه داشت.

این محبت با همان وسعت اما با قاعده در تفکرهای اسلامی نمود می‌یابد. اسلام دینی اجتماعی است. برادری و دوستی هم، با زندگی در اجتماع محقق می‌شود. مرغان / ابن سینا برای رهاشدن از بندهای مانده بر پای‌شان چاره‌ای جز بازگشت ندارند: «گلّه‌ها و رنج‌های خویش پیش آن ملک بازگفتیم و قصه شرح دادیم و درخواستیم تا آن بقایا از پای باز دارد تا در آن حضرت به خدمت باشیم. پس جواب داد که بند پای شما همان گشاید که بسته است و خدمت باشیم. پس جواب داد که بند پای شما همان گشاید که بسته است و من رسولی با شما فرستم تا ایشان را الزام کند تا بندها از پای شما بردارد و حاجیان بانگ برآوردند که باز باید گشت» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲).

ج. راهنما

حضور راهنما و مراتب آن را در هر دو اثر می‌توان یافت اما آنچه موجب تفاوت در کارکرد این حضور شده، جهان‌بینی متفاوت آفریدگان آن‌ها است.

راهنمای فرعی: خوداتکایی در جانانان موجب شده که وی بی‌نیاز از حضور راهنمای فرعی باشد. این عدم حضور موجب وقفه‌ای هر چند کوتاه در جانانان می‌شود: «با خود فکر کرد نه هر چه بودم تمام شد. حالا من یک مرغ دریایی دیگر هستم، پس مثل یک مرغ دریایی هم پرواز می‌کنم» (باخ، ۱۳۹۰: ۲۵). اما بر خلاف باخ، ابن سینا بر حضور عنصر راهنمای فرعی تکیه دارد. در داستان او، مرغان نجات‌یافته پیشین نقش راهنمای فرعی را بر عهده دارند. «ایشان با من گفتند که ما را در پیش راه‌های دراز است و منزل‌های سهمناک و مخوف که از آن ایمن نتوان بود که به مثل این حالت دیگر بار (فرصت کار) از دست ما بشود و ما دگرباره بدان مبتلا شویم» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۱).

فرمان‌برداری از راهنمای تام: یکی از اصول بنیادین در عرفان‌های شرقی اطاعت بی‌چون و چرا از پیر و راهنما است. اما در سلوک عرفان‌های اومانیستی، سالک، قهرمانی خداگونه است که اطاعت وی از راهنما، اطاعتی محض نیست. جانانان هم نمودی از راهرویی کمال‌خواه است که خودمحوری و آزاداندیشی‌اش را در هیچ مرحله‌ای از مسیر از دست نداده است. سالیوان جانانان را از بازگشت به قبیله‌اش منع می‌کند: «همین جا بمان. به مرغان دریایی جوان کمک کن، مرغانی که به قدر کافی ارتفاع گرفته‌اند که آنچه را تو می‌گویی ببینند» (باخ، ۱۳۹۰: ۶۸). اما جانانان آزاداندیشی خردگرا است و از راهنمای خود در هر شرایطی فرمان‌برداری نمی‌کند. زیرا ابزار او خرد و استدلال است. وی نزد سالیوان شروع به استدلال می‌کند و با آوردن دلایل خود، سالیوان را به خداحافظی‌ای احترام‌آمیز مجبور می‌سازد (همان، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۸). این در حالی است که در رساله الطیر، در هر شرایطی از راهنما فرمان‌برداری و اطاعت می‌شود. «ملک» به خواست مرغان مبنی بر ماندن و خدمت در حضرت او بی‌اعتنا است. و بندها را از پاهایشان بر نمی‌دارد. در اینجا او خود گزاره‌ای منطقی می‌آورد: «پس جواب داد که بند پای شما همان گشاید که بسته است و من رسولی با شما بفرستم تا ایشان را الزام کند

تا بندهاز از پای شما بردارد» (ابن سینا، ۱۳۹۱: ۱۲). مرغان هم ناگزیر و ناچار فرمان ملک را می‌پذیرند و بازمی‌گردند.

نتیجه بحث

از مطالعه دو داستان فلسفی و عرفانی «رسالة الطیر» و «جانانان مرغ دریایی» مشخص شد که هر دو اثر با استفاده از زبانی رمزین به بیان مسیر انسان کامل می‌پردازند. این آثار با وجود فاصله زمانی و مکانی دارای شباهت‌هایی اند که دسته‌ای از آن‌ها را می‌توان در ویژگی‌های سالک یافت که عبارت‌اند از پس آگاهی، سفر برای عروج، پویایی و تحرک، استفاده ابزاری از پرواز و بهره‌گیری از تجربه و دانش برای هموار نمودن مسیر. دسته‌ای دیگر از شباهت‌ها در مسیر تعالی نمود دارند که عبارت‌اند از دعوت به حرکت، سبب کمال همدیگر شدن، غلبه مرحله‌ای بر موانع و مشکلات و تغییر حرکت فردی به حرکت جمعی. وجود راهنما هم که مسیر را هدفمند و منسجم می‌سازد؛ دسته دیگری از این شباهت‌ها است. راهنما در دو اثر، دارای دو مرتبه تام و ارشد است. این حضور، پایه و اساس تکامل فرایند فردیت در قهرمانان داستان است و مسیر سفر را سهولت می‌بخشد و موجب رفع موانع می‌شود.

این دو اثر با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها را می‌توان در دو گروه سامان داد؛ گروه نخست اختلافاتی است که به طور مستقیم نمی‌تواند برخاسته از تفاوت بینش‌ها و اندیشه‌های اعتقادی نویسندگان باشد. بافت مبهم در بیان کیفیت جزئیات «رسالة الطیر» عامل ایجاد این دسته از تفاوت‌ها با «جانانان مرغ دریایی» شده است؛ تفاوت‌هایی نظیر زاویه دید، فضا سازی، شخصیت‌ها، کمیت پرندگان، استقبال، مسیر سفر، تبعید. در هر دو داستان قهرمانان خواه ناخواه بازمی‌گردند با این تفاوت که اثر *باخ* داستان با توصیف کیفیت بازگشت قهرمانش به جای اولیه و اتفاقات پس از آن ادامه می‌یابد به گونه‌ای که می‌توان از آن به دور تسلسل یاد کرد؛ همان‌طور که در پایان داستان تصویر شروعی تازه را در ذهن مخاطب نقش می‌بندد؛ این در حالی است که پس از بازگشت مرغانش داستان را پایان داده و به دغدغه خود پیرامون درک مخاطبانش مشغول است. این گروه از تفاوت‌ها در ساخت ظاهری اثر خود را نمایان ساخته‌اند.

گروه دوم از اختلاف‌ها به طور مستقیم ناشی از تفاوت بینش‌ها و اعتقادات نویسندگان است. این دسته از اختلاف‌ها در ویژگی‌های سالک و نحوه حضور راهنما خود را بروز می‌دهند. *ابن سینا* اندیشمندی شرقی و مسلمان است؛ از این روی در ارائه تصویرهای راهروی خود بر نیروهای الهی و امدادهای غیبی تکیه دارد. در اندیشه او بیم و امید با هم‌اند و ترس قهرمان با توکل، به دل‌آسایی منجر می‌شود. *باخ* اندیشمندی غربی - مسیحی است. از دیدگاه او خود، اساسی‌ترین عنصر وجودی است که می‌تواند تکیه‌گاه فرد باشد. در پی این اندیشه می‌بینیم که قهرمان با ترس و توکل میانه‌ای ندارد. او تنها بر خود متکی است.

نزد/ابن سینا محبت، ضمن قاعده‌مندی، دامنه وسیعی دارد. اما *باخ* متأثر از تعالیم مسیحیت، خواهان محبتی بی‌مرز و بی‌قاعده است. این امر سبب می‌شود که مرغان در داستان *ابن سینا* ناگزیر و ناچار بازگردند اما جانانان داوطلبانه برمی‌گردند. وجود راهنمای فرعی در نگاه *ابن سینا* ضروری است. ولی خوداتکایی *باخ*، مانع از حضور این عنصر در داستان‌ش شده است. *ابن سینا* اطاعت از راهنمای کامل در هر مرحله و در هر شرایطی را لازم می‌داند اما در نگاه *باخ* اطاعت از راهنمای تام، با استدلالی منطقی اطاعتی محض نیست. نتایج تحقیق به طور خلاصه، جهت مقایسه تطبیقی در دو جدول ارائه شده است.

وجوه اشتراک		
موضوع	رسالة الطَّيْر	جانانان مرغ دریایی
آگاهی	اثر در مرحله پس از آگاهی است.	اثر در مرحله پس از آگاهی است.
سفر	سفر برای رسیدن به عروج	سفر برای رفع محدودیت
پویایی و تحرک	با ایستایی میانه‌ای ندارد.	با رکود میانه‌ای ندارد.
پرواز	راه و وسیله‌ای برای کسب کمال	راه و وسیله‌ای برای کسب کمال
تجربه و دانش	ابزار و راه غلبه بر محدودیت است.	ابزار و راه غلبه بر محدودیت است.
فراخوانی	دعوت دوستان	فراخوانی دوستان
همراهی	سبب کمال همدیگر شدن	سبب کمال همدیگر شدن
موانع	غلبه مرحله‌ای بر محدودیت‌ها	غلبه مرحله‌ای بر محدودیت‌ها
حرکت	حرکت از فردی به جمعی تغییر می‌کند.	حرکت از فردی به جمعی تغییر می‌کند.
کارکرد راهنما	به از بین بردن موانع و رفع مشکلات کمک می‌کند.	به از بین بردن موانع و رفع محدودیت‌ها کمک می‌کند.

راهنمای تام	وجود ملک	وجود سالیوان
راهنمای ارشد	همراهی رسول	همیاری چیانگ

وجوه افتراق		
موضوع	رسالة الطیر	جانانان مرغ دریایی
زاویه دید	راوی اول شخص است.	راوی سوم شخص است.
فضا سازی	آغاز داستان با مقدمه‌ای نه چندان کوتاه	آغاز داستان با توصیف زمان و مکان
رمزی بودن اثر	نویسنده، خود به آن اشاره دارد.	نویسنده هیچ اشاره‌ای به آن ندارد.
شخصیت‌ها	شخصیت‌ها فاقد نامی خاص‌اند.	شخصیت‌ها دارای نام هستند.
کمیت پرندگان	هیچ‌جا اشاره‌ای ندارد.	همه‌جا تعداد ذکر شده است.
استقبال	به کمیت استقبال کنندگان توجه دارد.	به محل استقبال توجه دارد
مسیر سفر	مسیر مرغان نه کوه است.	مسیر مرغان آسمان است.
تبعید	سخنی از تبعید نیست.	جانانان به خاطر کمال‌خواهی تبعید می‌شود.
بازگشت قهرمان	داستان با دغدغه درک مخاطب پایان می‌یابد.	داستان بدون دغدغه درک مخاطب ادامه می‌یابد.
خودمحوری	اصل وحدت وجود، فرشته‌شناسی را الزامی می‌سازد.	محورتری عنصر وجودی فرد، خود فرد است.
ترس و بیم	همراهی بیم و امید با توکل به آسایش منجر می‌شود.	امید در داستان پرنسپل است اما ترس مهار شده است.
محبت و اختیار در بازگشت	ضمن بی‌اندازگی محبت، قاعده‌مندی آن پرندگان را ناگزیر و ناچار به بازگشت می‌کند.	محبت، بی‌اندازه و بی‌قاعده است. جانانان داوطلبانه برمی‌گردند.
راهنمای فرعی	راهنمای فرعی مانع ابتلا به حالت اول می‌شود.	بدون راهنمای فرعی وقفه‌ای کوتاه ایجاد می‌شود.
اطاعت از راهنما	اطاعت از راهنمای تام اطاعت محض است.	با استدلال می‌توان از راهنمای تام اطاعت نکرد.

کتابنامه

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. ۱۳۹۱، *رسالة الطیر*، تهران: دریای معرفت.
- باخ، ریچارد دیوید. ۱۳۹۰، *جانانان مرغ دریایی*، ترجمه زهره زاهدی، چاپ دوم، تهران: ارس.
- پورنامداریان، تقی. ۱۳۶۷، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- شجیعی، پوران. ۱۳۶۲، *صور معانی در شعر فارسی در مکتب درون‌نگری*، چاپ اول، تهران: زوآر.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۹، *انواع ادبی*، چاپ چهارم، تهران: میترا.
- فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۴۸-۱۳۴۶، *شرح مثنوی شریف*، سه دوره، چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۸۳، *انسان و سمبل‌هایش*، ترجمه محمود سلطانیه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جامی.
- یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۹۰، *چهار صورت مثالی*، ترجمه پروین فرامرزی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.

مقالات

- جلیلوند، پرمیدا. ۱۳۸۷، «*معرفی کتاب: اوهام*»، مدیریت: بیمه و توسعه، شماره ۱۶ و ۱۵، صص ۶۵-۶۵.
- حسن اکبری، بیرق و الیاس بابایی. ۱۳۸۸، «*صراط‌های آسمان؛ مطالعه تطبیقی دو اثر عرفانی (سیرالعباد الی المعاد سنایی و کمدی الهی دانته)*»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷۱-۱۰۰.
- قاسمی، اعظم. ۱۳۸۸، «*حکمت مشرقی ابن سینا از منظر هانری کربن*»، فلسفه و کلام: حکمت سینی، شماره ۴۲، صص ۴۰-۴۲.
- کاکایی، قاسم. ۱۳۷۸، «*نظریه وحدت وجود و برهانی بودن آن از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا*»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره ۱، صص ۷۷-۵۵.
- کاکایی، قاسم. ۱۳۸۰، «*کیفیت شناخت و وصال خدا از طریق شناخت نفس از دیدگاه دو عارف مسلمان و مسیحی*»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره ۲، صص ۶۷-۹۴.
- گدازگر، حسین. ۱۳۷۱، «*داستان‌های رمزی در اندیشه فلسفی ابن سینا*»، فلسفه و کلام: کیهان اندیشه، شماره ۴۶، صص ۸۶-۱۰۱.